

The Impact of Hardened Heart on Mental Health from the Perspective of the Holy Qur'an

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Zohre Akhavan
Moghadam,¹
Seyedeh Razie Pour
Mohammadi²

ABSTRACT

One of the spiritual diseases and sins of the heart is the "hardened heart", which many people are unaware of it despite having the disease. Human beings are inherently kind and warm-hearted, and the hardened heart does not arise by itself, but by factors that exacerbate it and, if left untreated, can be the source of many crimes and immoral acts. Therefore, identifying the factors and effects of the hardened heart is necessary to eliminate the possible risks. The purpose of this research was to investigate the impact of the hardened heart on mental health from the perspective of the Holy Qur'an. The type of research in terms of purpose is based on review studies and the method of descriptive-analytical research is done by library and citation study.

Based on the findings, it should be noted that the themes of the health branches in this research are related to the hardness, health, mental health, causes and effects of the hardened heart to which the verses of the Holy Qur'an refer directly. The explanations of the commentators and psychologists in each subject are from the verses of scientific health, and in accordance with the purpose of the verses.

Results also indicated that: 1. Hardened heart, which is a mental illness, if left untreated, can be the source of many crimes and immoral acts; 2. As a result of the separation of religious doctrine and Islamic culture and sciences, the hardened heart arises and endangers human emotions; 3. Wishes must be within the framework of possibilities, talents, conditions, and capacities, otherwise they will cause anxiety and restlessness of the soul and will not be able to easily achieve peace of mind; 4. Not accepting the "right" is one of the effects of the hardened heart, and since the Qur'an is a right, its commands and Islamic laws must be carried out as God Almighty has commanded, because if this word of "right" is not accepted, the mental health will be endangered.

How to cite this article

Zohre Akhavan Moghadam,
Phd, Journal of Quran and
medicine, 2019:4(4): 19-29

Keywords: Qur'an, Heart, Hardened Heart, Mental Health.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: dr.zo.akhavan@gmail.com

Article History

Received: 2020/01/16

Accepted: 2020/02/04

ePublished: 2020/04/13

تأثیر قساوت قلب بر سلامت روان از منظر قرآن کریم

زهرا اخوان مقدم

دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن تهران

سیده راضیه پورمحمدی

کارشناس ارشد، تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآن قم

چکیده

یکی از بیماری‌های معنوی و گناهان قلبی "قساوت قلب" است که بسیاری از افراد، با وجود ابتلا به این بیماری، از آن غافل هستند. انسان ذاتاً از روحی لطیف و قلبی رئوف برخوردار است و قساوت قلب، به خودی خود به وجود نمی‌آید، بلکه عواملی موجب تشدید این قوه می‌شوند و اگر درمان نشود می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد. بنابراین، شناسایی عوامل و آثار قساوت برای رفع خطرات احتمالی ضروریست. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قساوت قلب بر سلامت روان از منظر قرآن کریم است. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی براساس مطالعات مروری است و شیوه پژوهش توصیفی-تحلیلی که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و استنادی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت که موضوعات تجمیع شده شاخه‌های سلامت در این پژوهش مبحث قساوت، سلامت، سلامت روان، عوامل قساوت قلب و آثار قساوت قلب است که آیات قرآن کریم بطور مستقیم به آن اشاره دارد. توضیحات مفسران و روانشناسان در هر مبحث از آیات سلامت علمی و منطبق بر هدف آیات است.

نتایج بدست آمده بر اساس یافته‌ها نیز عبارت بودند از: ۱. قساوت قلب که یک بیماری روحی است اگر درمان نشود می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد؛ ۲. بر اثر دوری و جدایی از تعالیم دینی و فرهنگ و معارف اسلامی، قساوت قلب ایجاد می‌شود و عواطف انسانی را به خطر می‌اندازد؛ ۳. آرزوها باید در چارچوب امکانات، استعدادها، شرایط و ظرفیت باشد وگرنه باعث تشویش و ناآرامی روح می‌شود و به راحتی نمی‌تواند به آرامش روانی دست یابد؛ ۴. نپذیرفتن «حق» از جمله آثار قساوت است و چون قرآن حق است، باید دستورات و احکام آن را همانطور که خداوند متعال فرمان داده است اجرا شود، زیرا در صورت نپذیرفتن این کلام حق، سلامت روح به خطر می‌افتد.

واژگان کلیدی: قرآن، قلب، قساوت قلب، سلامت روان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

* نویسنده مسئول: dr.zo.akhavan@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم، کلام آشکار حق جهت هدایت بشر است، این کتاب آسمانی همواره حاوی پیام‌هایی در خصوص رشد و تعالی بندگان برای رسیدن به کمال است، برای رسیدن به سعادت جاودانه، انسان باید از سلامت روان برخوردار باشد، قرآن فردی را سالم و سلیم-النفس می‌داند که با تکیه بر فطرت توحیدی از ایمان در قلب برخوردار بوده و در رفتار با ایجاد تعادل میان قوای متضاد درونی و نیز تقابلات بیرونی و درونی برخاسته از غرایز و محیط، بهترین شیوه را در دستیابی به خوشبختی و قرب الی الله برگزیند. از نظر قرآن کسانی که در عقیده کفر و در عمل نفاق را برگزیدند از سلامت روانی برخوردار نبوده و دچار بیماری روانی هستند. (بقره/۱۰)

بروز و ظهور حالات قلبی موجبات هدایت را فراهم می‌کند. هر حرکت انسان چه در جهت رشد و کمال و چه در جهت سقوط و

نابودی او، ریشه در قلب او و گرایش‌های آن دارد و تا تغییری در قلب او رخ ندهد، هیچ تغییری در او به وجود نمی‌آید. رأی هر فرد لازم است که با شناخت قلب و ابعاد مختلف آن در قرآن ذکر شده است، به شناخت محور اساسی هر نوع تغییر رفتاری انسان در زندگی دنیایی و همچنین سرنوشت او در عالم حسابرسی، برسد.

سلامت روان، زمانی حاصل می‌شود که شخص، از طریق محبت و دوستی با خدا، دعا و نیایش، بندگی و عبودیت یگانه خالق هستی، توانایی کنترل خود را در پیروی کردن از هوی و هوس خالص گرداند و همچنین توانایی تعامل با محیطی که در آن زندگی می‌کند داشته باشد و در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی، به شیوه‌ای مثبت و بدون ترس یا اضطراب، دست و پنجه نرم کند.

قساوت قلب یکی از بیماری‌های معنوی و گناهان قلبی است که بسیاری از افراد، با وجود ابتلا به این بیماری مهلک روحی از آن غافل هستند. این بیماری در قرآن مذمت شده است و خداوند در آیه ۲۲ زمر می‌فرماید: «پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از روی قساوت یاد خدا نمی‌کنند؛ اینانند که در گمراهی آشکارند». قساوت قلب که یک بیماری روحی است اگر درمان نشود می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد.

جنایاتی که امروزه ما در نقاط مختلف جهان از سوی برخی سرداران زر و زور شاهد هستیم، و کشته شدن کودکان و انسان‌های بی‌گناه در کشورهای مختلف توسط جنایکاران جهانی تا حد زیادی ناشی از قساوت قلبی است که بر دل‌های عاملان این جنایت سایه افکنده است. از این رو ضروری است تا هرچه بیشتر با این بیماری روحی آشنا و با رجوع به منابع دینی و مشخصاً قرآن کریم، با عوامل و آثار آن آشنا شده و در صورت وجود آن‌ها در درون خود در صدد درمان آن بربیاییم.

تعریف مفاهیم

روشن است هر سخن و نوشتاری از یک سری عبارات و مفاهیم برای انتقال ایده‌های خود بهره می‌برد. پژوهش حاضر که به بررسی تأثیر قساوت قلب بر سلامت روان از منظر قرآن می‌پردازد، نیز از این مطلب فارغ نیست و مفاهیمی را برای انتقال پیام‌های خود در نظر گرفته است، که به تعریف مفاهیمی چون قساوت قلب، روان و سلامت روان به شرح ذیل می‌پردازد:

تعریف قساوت قلب

در پژوهش حاضر، قساوت قلب، در لغت و اصطلاح به شرح ذیل بیان شده است:

قساوت قلب در لغت

لغویون در کتب لغت خود قساوت قلب را چنین بیان کرده‌اند: "قَسَاوَةً" سخت شد دلش^(۱)؛ غلظت در قلب و ترحم کم^(۲)؛ قساوت قلب، به معنای سخت‌دلی و سنگدلی است^(۳)، در نتیجه قساوت قلب در واقع همان سخت شدن دل است در لغت.

به این است که جامعه تا چه اندازه‌ای نیازهای اساسی افراد را برآورده می‌سازد، اینکه تا چه اندازه خود را با جامعه سازگار می‌کند، در نتیجه سلامت روان، بیش از آنکه امری فردی باشد، مسأله‌ای اجتماعی است^(۱۴) از ویژگی‌های دیگر سلامت روان این است که فرد سالم مرتباً به بررسی ماهیت و ادراکات خودش می‌پردازد و اشتباه‌هایش را برطرف می‌کند.^(۱۵)

در تمام تعاریف، جامعیت «روان» مد نظر است و نه صرفاً روان «فردی»؛ از این رو سلامت روان هر شخصی با توجه به جهان اطراف و جامعه‌اش سنجیده می‌شود و نمی‌توان گفت سلامت روان، یک امر فردی است و به معیارها و خصوصیات فردی تعمیم داد.

بسامد قرآنی قساوت قلب

بیماری و سلامت روان در قرآن غالباً به قلب نسبت داده می‌شود، در همین راستا، سلامت روان را قلب سلیم و تعادل روان معرفی کرده و بیماری روان را عدم تعادل و هماهنگی حقیقت انسان با ماورای عالم ماده و مبدأ متعالی دانستند که دامن‌گیر افرادی می‌شود که از یاد خدا دل برگردانیده‌اند. یاد خدا و سلامت فکری و اعتقادی، مهمترین عامل سلامت روح و روان، است و مهمترین مانع سلامت روان، بیماری و انحراف فکری و اعتقادی می‌باشد^(۱۶). قلب از چنان جایگاهی بهره‌مند است که مبدأ اتصال بنده با پروردگار متعال می‌باشد. اگر بعد دیگری از ابعاد وجودی انسان، مافوق قلب بود و شرافت بیشتری داشت، آن بعد، مبدأ ارتباط می‌شد. تنها بعدی که اثری از بی‌نهایت بودن را دارد و می‌تواند با بی‌نهایت، ارتباط برقرار کند، قلب است. چنان‌که طبق آیات قرآن کریم (قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ) (بقره: ۹۷) وَ نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينِ (شعراء: ۱۵۹) (عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ) (شعراء: ۱۹۴) خداوند متعال، وحی را که برای هدایت انسان‌هاست، بر پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند: «قلب، رئیس و ظرف وحی قرار داد.

حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند: «قلب، رئیس و پادشاه همه اعضای بدن است، زمانی که پادشاه، اصلاح شود، رعیت او هم اصلاح می‌شوند»^(۱۷).

و در روایتی دیگر فرمودند: «آگاه باشید که در بدن، پاره گوشتی است که اگر آن اصلاح شود، همه بدن اصلاح می‌شوند و اگر او فاسد شود، همه آن‌ها نیز فاسد می‌شوند»^(۱۸).

می‌توان دریافت که قلب، که روح و نفس انسان است؛ باید از بیماری‌های ظاهری و باطنی در امان باشد تا مجالی برای زدودن تعلقات دنیوی و شرک فراهم شود و همواره یاد خداوند در همه لحظات آرام‌بخش روح او باشد.

در خصوص قساوت قلب، آیات بسیاری از قرآن کریم وجود دارد که بیانگر تأثیر این خصلت انسانی در روح افراد و جامعه است. برای روشن شدن این مطلب به بررسی برخی از عوامل و آثار قساوت قلب از منظر قرآن پرداخته می‌شود:

عوامل قساوت در قرآن

از آنجا که خلقت انسان از روح پاک باری تعالی نشأت گرفته، ذاتاً از روحی لطیف و قلبی رئوف برخوردار است و قساوت قلب، به خودی خود به وجود نمی‌آید، بلکه عواملی موجب ایجاد این قوه می‌شوند که ری شهری در کتاب خود به معرفی این عوامل

قساوت قلب در اصطلاح علم اخلاق

علم اخلاق، روحیه تأثیرناپذیری از درد و رنج هم‌نوعان را قساوت گویند.^(۱۹) در جای دیگر چنین آمده: قساوت یک بیماری است که بر دل انسان عارض می‌شود در این حالت اندرز و انداز در آن اثری نمی‌کند و نیز ترحمی نمی‌کند، از این رو قساوت قلب که یک بیماری روحی است اگر درمان نشود می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد.^(۲۰)

تعریف روان

در فرهنگ اسلامی منظور از «روان» همان «نفس» می‌باشد، و به اعتقاد ملا صدرا «نفس» قوه‌ای موجود در جسم است، یا به آن تعلق می‌گیرد و منشأ آثار گوناگون می‌شود^(۲۱)، شیخ مفید معتقدند که وجود انسان، قائم به نفس است که نه حجم و بعد دارد، نه حرکت و سکون و نه اتصال و نه انفصال، بلکه جوهری بسیط و غیر مادی به نام روح است^(۲۲)، ابو حیان توحیدی نیز در المقابسات در تعریف نفس می‌گوید: «نفس، کمال جرم دارای ابزار قابل حرکت است. و همچنین جوهر عقلی متحرک از ذات خود با چند امر هماهنگ. همچنین جوهر آگاه و هماهنگ با عقل»^(۲۳) اما به عقیده اپیکور، نفس، امری مادی و فناپذیر است که با حدوث بدن حادث می‌شود و هم‌چنین با فنای بدن، از میان می‌رود و هیچ‌گونه بقایی پس از بدن ندارد^(۲۴) و به بیانی دیگر، اجماع جامعه علمی بر آن است که هیچ شاهد و گواهی از روح در دست نیست یعنی آنچه به طور سنتی دم یا باد معنوی بدن دانسته می‌شد. در متافیزیک، مفهوم روح معادل «ذهن» گرفته می‌شود برای اشاره به «آگاهی» یا «عقل» انسان^(۲۵).

روان‌شناسان نیز برای «روان» نکات متعددی بیان کرده‌اند که به چند نمونه به شرح ذیل اشاره می‌شود:

۱. انسان، ترکیبی از روان و بدن است.
 ۲. روان، واقعیتی غیر مادی (مجرد) است که قانونمندی خاص خود را دارد؛ همچنان که بدن، امری مادی و تابع قوانین خاصی است.
 ۳. تجلیات و رویدادهای روانی و مقولاتی همچون ادراک، حافظه و تفکر نیز مجردند.
 ۴. روان غیر مادی، با بدن مادی ارتباط وثیق دارد.
 ۵. هر یک از کیفیات روانی، برای بروز خود، نیازمند مقدماتی مادی هستند.
 ۶. همه آن امور مادی که در جریان یکی از تجلیات روانی پدید می‌آیند، مقدمات و، به اصطلاح، علل اعدادی آن امرند^(۲۶).
- در نتیجه هر کدام از نظرات به نحوی نیاز به توضیح مستقل و بررسی دارد که به علت خروج موضوعی نمی‌توان به آن پرداخت، خلاصه کلام چنین است که، روان مقوله پیچیده‌ای با تعاریف و معانی متفاوت است و به طور کلی می‌توان گفت: «روان» یک حس مرتبط با جسم و سوی از آن است که ارتباط مستقیم و نقش مهمی در ایجاد حالات و رفتار حرکتی اعضای بدن دارد.

تعریف سلامت روان

از نظر کارل منیجر، سلامت روان عبارت است از: سازش فرد با جهان اطرافش در حداکثر امکان به طوری که باعث شادی و برداشت مفید و مؤثر او به طور کامل شود^(۲۷). یونگ نیز معتقد است انسان سالم، انسانی است فردیت یافته، که دارای خصوصیتی از قبیل خودشناسی، پذیرش خود، یکپارچگی، بیان خود و شکوفایی است^(۲۸) به نظر فروید، سلامت روان وابسته

پرداخته است^(۱۹)، در ذیل به بررسی برخی از عوامل قساوت قلب پرداخته می‌شود:

الف. غفلت از یاد خدا

یکی از عوامل قساوت قلب، غفلت از یاد خداست، چنانچه خداوند باری تعالی در آیه ۱۶ سوره حدید می‌فرماید:

(الْمُ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ)

این آیه شریفه انسان غافل را از خواب غفلت بیدار می‌کند و او را اینگونه هوشیار می‌کند:

ای انسان، تا کی نمی‌خواهی مرگ را باور کنی؟

تا کی شاهد ناپایداری‌های دنیا هستی و همچنان به آن دل می‌بندی؟ سپس هشدار می‌دهد که مانند بنی‌اسرائیل نباشید؛ زیرا آنان بر اثر عمر طولانی خود و تصور جاودانگی، تعالیم پیامبرشان را از یاد بردند و به خاطر نبود عذاب الهی، از خدا نیز غافل شدند و قساوت قلب پیدا کردند و گناهکار شدند!^(۲۰) این آیه شریفه، مؤمن را کسی می‌داند که همواره به یاد خدا باشد؛ چرا که یاد خدا، حب دنیایی را از دل انسان می‌زداید، از این رو یکی از ابعاد مهم سلامت بخشی ذکر و محبت خداست که موجب کم‌رنگ شدن سایر محبت‌ها و علقه‌ها در قلب انسان می‌شود و رنگ خدایی به خود می‌گیرد.^(۲۱)

آرمسترانگ نویسنده انگلیسی زبان، در کتاب تاریخ خداآوری، طی تحقیقات سی ساله خود، بر این باور است که ایمان به خدا، از ابتدای خلقت در وجود انسان‌ها بوده است و بشر نیز به یگانگی خالقش معتقد بوده، همچنین با بررسی سیر تحولی اعتقاد به خداوند در یهود و مسیحیت و اسلام، اظهار می‌دارد انسان همیشه برای رفع ناراحتی‌های خود به خدا پناه برده و آرامش خود را از این راه به دست آورده است.^(۲۲) از این رو یاد خداوند آرام‌بخش روح و روان آدمی است، چرا که انسان معلول یک خالق و علت تامه‌ای است و همواره ذکر تنها پشتیبان وجودی‌اش به او آرامش خاصی القاء می‌کند و در قرآن نیز چنین آمده است (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد: ۲۸) و در آیه فوق منظور از ذکر خدا که مایه آرامش دل‌هاست تنها این نیست که نام او را بر زبان آورد و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گوید، بلکه منظور آن است که با تمام قلب متوجه او و عظمتش و علم و آگاهی و حاضر و ناظر بودنش گردد.^(۲۳) زیرا ذکر و یاد خدا یکی از عوامل آرام‌بخش دل‌ها، مسکن آرام، و برقرار کردن تعادل روانی، است. چنانچه فرد مؤمن به گرفتاری و ناراحتی دچار شود، بهترین چاره آن است که دو رکعت نماز بخواند و به ذکر و یاد خدا مشغول شود. ناراحتی وی تا حد زیادی بهبود خواهد یافت،^(۲۴) همچنان که حضرت علی (ع) چنین می‌گوید: «ذکر الله جلاء الصدور و طمأنينة القلوب» یعنی یاد خدا، جلا دهنده سینه‌ها و آرام بخش دل‌ها است.^(۲۵)

در میان روان‌شناسان گرایش‌هایی پیدا شده است که طرفدار توجه بیشتر به دین برای سلامت روان و درمان بیماری‌های روانی است. آن‌ها معتقدند در ایمان به خدا نیروی خارق‌العاده‌ای وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان متدین می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی او را کمک می‌کند و از نگرانی و اضطرابی که بسیاری از مردم قرن ما در معرض ابتلا آن هستند دور می‌سازد. یکی از نخستین کسانی که این مسأله را مطرح کرده ویلیام جمیز فیلسوف و روانشناس امریکایی بود. او می‌گوید ایمان بدون شک مؤثرترین درمان اضطراب است و ایمان نیرویی است که باید برای

کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد^(۲۶) بنابراین شخصی که به خدا ایمان قلبی دارد، همواره ذکر او بر لبانش جاری هست، در نتیجه ذکر وسیله تسکین قلب است و توسط آن می‌توان از پریشانی‌های روحی خود کاست.

ب. آرزوهای طولانی

آرزو در زبان عربی «امانی» است که جمع «امنیه» به معنای حالتی است که در نفس انسان از تمنای چیزی حاصل می‌شود^(۲۷) «ابن اثیر» می‌گوید: «تمنی» به معنای علاقه به حصول امر مطلوبی است، و همچنین به حدیث نفس درباره حوادثی که در آینده واقع می‌شود یا نمی‌شود، اطلاق می‌گردد و «مئنه» (بر وزن کنیه) و «امنیه» به یک معنا آمده است.^(۲۸) ولی بعضی امنیه را به معنای «دروغ» ذکر کرده‌اند زیرا شخص دروغگو مطلبی در دل خود پرورش می‌دهد.^(۲۹) بعضی نیز ریشه اصلی این کلمه را تقدیر و فرض و تصویر می‌دانند.^(۳۰) با توجه به اقوال لغویون می‌توان چنین برداشت کرد که: امانی حالتی است که انسان چیزی را تصور می‌کند که وقوعش در آینده است و در زمان حال دست‌یافتنی نیست، همچنین حالتی فریبنده در ذهن پرورش می‌یابد و امکان تکذیب آن در مقام واقع وجود دارد.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

(أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ ... فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ...) (حدید: ۱۶)

در آیه شریفه جمله «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ» به عقیده مکارم شیرازی، همان طول امل و طولانی شدن آرزوها است، که قساوت قلب را در پی دارد^(۳۱) زیرا «طول امل» و به تعبیر دیگر «آرزوهای دور و دراز» از مهمترین رذایل اخلاقی است که انسان را به انواع گناهان آلوده می‌کند، از خدا دور می‌سازد، به شیطان نزدیک می‌کند و گرفتار عواقب خطرناکی می‌سازد. البته اصل «آرزو» و «امید» نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه نقش بسیار مهمی در حرکت چرخ‌های زندگی و پیشرفت در جنبه‌های مادی و معنوی بشر دارد.^(۳۲) پس اگر آرزوها متوجه ارزش‌های والای انسانی باشد و یا جنبه مردمی و اجتماعی پیدا کند و در مسیر تکامل و پیشرفت واقعی انسان‌ها و درجات کمال قرار گیرد و انسان را به تلاش و کوشش بیشتر در این راهها وادارد، بدون شک چنین آرزویی هر قدر طولانی بوده باشد، نه تنها نشانه پستی نیست که نشانه کمال انسان است.^(۳۳) در واقع آرزو بر دو قسم است «آرزوهای کاذب» که همچون سراب در بیابان زندگی ظاهر می‌شوند و تشنه کامان را به دنبال خود می‌کشاند و هر لحظه تشنه‌تر می‌سازند تا از شدت تشنگی هلاک شوند. و «آرزوهای صادق» و مثبت و سازنده که همچون آب حیات، گلستان وجود آدمی را سیراب و پرثمر می‌سازد و هر چه زحمت می‌کشد نشاط و معنویت بیشتری می‌یابد.^(۳۴)

علاوه بر آیات قرآن، روایاتی مبنی بر «طول امل» نقل شده است، چنانچه پیامبر اکرم (ص)، «طول امل» را یکی از دو دشمن بسیار خطرناک برای انسان‌ها شمرده و فرموده است:

«خَصِيْبَانِ أَتْبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا أَتْبَاعُ الْهَوَى فَأَنَّهُ يَعْدِلُ عَنِ الْحَقِّ، أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَأَنَّهُ يُجِيبُ الدُّنْيَا»

امام علی (ع)، نیز می‌فرماید: بیشترین ترس من بر شما، از هوا پرستی و آرزوهای طولانی است.^(۳۵)

روانشناسان نیز بر این باور هستند که از موانع سلامت روح، افکار و اندیشه‌های دور و دراز می‌باشد. شالوده زندگی انسان افکار و

در واقع موسیقی‌های حرام معمولاً منجر به غنا می‌شوند و تأثیر مخربی بر روح و روان انسان دارند، در صورتی که موسیقی حلال موجب آرامش روح انسان می‌شود و در واقع در مقابل موسیقی لهوی اعم از عقلایی و غیر عقلایی، موسیقی معنوی و نغمه‌های "ذکری" است که دل - و نه نفس - را متوجه مبدأ و معاد خود می‌سازد^(۴۴) چرا که لذت بردن از صدای خوش، امری فطری است و خداوند به انسان حالتی را بخشیده است که از صدای موزون لذت می‌برد؛ اگر چه موضوع لذت، نفس و نفسانیات می‌باشد.^(۴۵) از این رو لذتی که انسان از صداهای طبیعت مانند وزش باد، ریزش آب، لرزش و جنبش درختان و نغمه پرندگان می‌برد او را بر می‌انگیزند تا به یاری حنجره و به کمک اشیای اطراف خود، به تقلید از این صداها بپردازد. از همان ابتدای آفرینش بود که بشر برای توصیف تأثرات و حالات گوناگون درونی خویش، خود را به موسیقی و آواز نیازمند یافت.^(۴۶) بنابراین از موارد مهم در توجه اسلام به موسیقی حرام تأثیر اخروی آن است که در نزد غرب به آن توجه نشده است. بنا بر آموزه‌های اسلامی در روز قیامت به خواننده غنا نظر رحمت افکنده نمی‌شود.^(۴۷) موسیقی آنچنان که عاشقان دلباخته‌اش می‌گویند حقیقتاً روح انسان را تصفیه می‌کند. چرا با شیوع موسیقی در شرق و غرب بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدی است که گفتگو درباره آن باعث شرمساری است.^(۴۸) در الدر المنثور است علی‌بن‌الحسین (ع) روایت شده که فرمود: هیچ امتی که در آن موسیقی باشد پاک و مقدس نشده و نمی‌شود.^(۴۹)

در واقع وظیفه شریعت مطهره اسلام و فقه پویا، دفاع از مصالح و منافع اسلامی و ستیز با مظاهر شرک و فساد است. مخالفت فقه با موسیقی، انکار وجهه مفسده انگیز و تخدیری موسیقی بوده است که قهراً با آنچه که فلاسفه و عرفای راستین گفته‌اند در تضاد نبوده و همگی یک دیدگاه را بیان کرده‌اند.^(۵۰)

در مذهب اهل بیت (ع) از موسیقی و سماع به عنوان راه تکامل و روش رستگاری نام برده نشده است. و به طور کلی هیچ قانونی وجود ندارد که به مقتضای آن، مابین موسیقی و صفات ارزشی تلازمی وجود داشته باشد. مثلاً برای اینکه یک انسان، عادل یا حق شناس یا عامل به تعهدها، یا فداکار در مسیر خدمات اجتماعی [شود]، باید از موسیقی بهره‌برداری کند.^(۵۱)

همچنین پژوهش‌ها در زمینه‌های موسیقی و پزشکی نشان می‌دهد که موسیقی از طریق تأثیر بر هورمون‌های مختلف، ضربان قلب و فشار خون، تغییر پتانسیل الکتریکی و حرکات بدن و زمینه‌های روان‌شناسی وارد عمل شده و با تحریک عواطف در مغز بر اعصاب مرکزی و خودکار و واکنش بیوشیمی و عضلانی اثر می‌گذارد. تأثیر بر حافظه و یادآوری خاطرات و احساس‌های گذشته، تغییراتی را در شرایط فیزیولوژیک و پزشکی به جا می‌گذارد.^(۵۲)

با بیان آنچه که ذکر شد، می‌توان دریافت: موسیقی‌هایی که در نظر اسلام حرام هستند، قساوت دل به همراه دارد و همین امر طبق تحقیقات و پژوهش‌های متخصصان ضربه بزرگی به سلامت روان انسان وارد می‌کند، بنابراین تشخیص موسیقی حلال و حرام بحث گسترده‌ای است که در مطلب مذکور گنجانده نمی‌شود.

د. دنیا پرستی

منشأ اصلی و اساسی نگرانی‌ها و اضطراب‌ها، تفکر از دست دادن سعادت و گرفتار آمدن به بدبختی است. این مطلب نسبت به همه

اندیشه‌ها و باورهای اوست. انحرافی بودن افکار و اندیشه‌ها به معنای باطل و بی‌اساس بودن شالوده زندگی و رفتاری است.^(۳۶) بنابراین آرزوها باید در چارچوب امکانات، استعدادها، شرایط و ظرفیت باشد و گرنه سر از موهومات در می‌آورد، در این صورت اگر شخص به آنچه که می‌اندیشد، نرسد یأس و ناامیدی بر او غالب می‌شود، یأس باعث تشویش و ناآرامی روح می‌شود و به راحتی نمی‌تواند به آرامش روانی دست یابد.

ج. گوش دادن به اباطیل

طبق آموزه‌های اسلامی آواز غنایی خوشایند نیست، یا دارای اختلال روحی و روانی است و یا به خشکی طبع منجر می‌شود.^(۳۷) گوش دادن به موسیقی حرام است و باعث سنگدلی می‌شود و در این مورد باید هوشیار بود و با استدلال‌هایی چون: موسیقی از بین برنده کسالت و خستگی روحی است، یا موسیقی تنها به منظور هوسرانی نیست، یا موسیقی سنتی و محلی رواست، نباید به دام شیطان گرفتار شد،^(۳۸) در این خصوص خداوند متعال نیز در آیه ۳۱ سوره مبارکه لقمان چنین می‌فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا) مقصود از «لهو الحدیث» غنا و آلات لهو و لعب است که انسان را از ذکر خدا باز می‌دارد مانند آلات موسیقی و رادیو و تلویزیون.^(۳۹) چنانچه قبلاً اشاره شد، هر چیزی که انسان را از یاد خداوند غافل کند، موجب قساوت قلب است و در ذیل این آیه به روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) اشاره می‌شود، ایشان می‌فرمایند:

«ثَلَاثٌ يُبْسِنُ الْقَلْبَ، اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ طَلَبُ الصَّيِّدِ وَ اتِّيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ»^(۴۰)

لازم به ذکر است که در اسلام، موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌شوند:

موسیقی حلال

موسیقی حلال، موسیقی‌هایی هستند که دارای آثار مثبت بر فرد و جامعه‌اند. آثار مثبت موسیقی مختلف است؛ اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین اثر این دسته از موسیقی‌ها، برقراری ارتباط با خداوند و رسیدن به مقام قرب الهی یا همان کمال انسانی است. برای رسیدن به مقام قرب الهی یک راه بیشتر وجود ندارد و آن اجرای احکام و دستورات الهی است.^(۴۱)

موسیقی حرام

هنگامی که سخن از موسیقی حرام به میان می‌آید ذهن بسیاری از افراد متوجه غنا می‌شود. علت این امر آن است که بسیاری موسیقی حرام را به‌عنوان غنا تعریف می‌کنند. از دیدگاه اکثر این افراد هر موسیقی‌ای که از مصادیق غنا باشد حرام و هر موسیقی که از مصادیق غنا نباشد حلال است. موسیقی حرام را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:^(۴۲)

۱- موسیقی‌ای که تحت عنوان غنا است.

۲- موسیقی که تحت عنوان حرام دیگری است.

غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع^۱ و طرب همراه بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.^(۴۳)

۱. ترجیع: گردانیدن صدا در حلق، چهچه.

در مجموع، نهی از دلبستگی‌های دنیوی و امر به دلبستگی‌های معنوی، برای رسیدن به زندگی آرام و بدون دغدغه و اطمینان قلبی، می‌باشد.

در نتیجه دلبستگی به مادیات و دنیاپرستی، موجب قساوت قلب و فراموشی از یاد پروردگار است و در این حالت انسان سرگرم مسایل مادی می‌شود و امور اخروی در نزد وی کم ارزش می‌شود، و چنانچه که بیان شد، محققان غربی نیز دریافته‌اند که مهمترین عامل افسردگی، جدایی از یاد خدا و معنویات است.

ه. عهد شکنی

انسان در عرصه هستی با همه موجودات از نظر ارزش تفاوت می‌کند و دارای جایگاه ویژه‌ای است، و نزد حضرت حق از کرامت و رفعت و مرتبه والایی در جهت استعداد برخوردار است؛ چرا که انسان طبق کلام صریح الهی، در معرض عهد خدا قرار گرفته، و چنین مسئولیت با ارزشی برعهده او نهاده شده، و از او دعوت شده که وفادار به عهد و پیمان خدا باشد؛ اگر در پی هوای نفس، و خواسته‌های مادی صرف، و متابعت از شهوات، و پیروی کردن از شیاطین عهد خدا را بشکنند، و از وفاداری به پیمان حق امتناع ورزد، به تدریج به سوی سقوط از مقامات ملکوتی پیش رفته و نهایتاً به چاه اسفل سافلین سرنگون خواهد شد.^(۶۱) خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: (بِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً) (مائده/۱۳).

عهد شکنی پیامدهایی به همراه دارد که موجب سلب آرامش روانی می‌شود، به معرفی برخی از پیامدها طبق فرمایشات خداوند متعال پرداخته می‌شود:

۱. پیمان شکنی، موجب گرفتاری آنان به لعنت الهی (مائده/۱۲ و ۱۳)
 ۲. موجب محرومیت از پاداش آخرتی (آل عمران/۷۷)
 ۳. از موجبات جهنمی شدن (رعد/۲۵)
 ۴. در پی دارنده حساب سخت (رعد/۲۰ و ۲۱)
 ۵. باعث گمراهی (بقره/۲۶ و ۲۷)
 ۶. از اسباب مجازات و کیفر (نحل/۹۴ و ۹۵)
 ۷. در پی دارنده خسران و زیان برای انسان (بقره/۲۷)^(۶۲)
- در واقع سنگ بنای همه امور در هر اجتماعی، پایبندی به عهد و پیمان است و با سست شدن آن همه امور و مناسبات اجتماعی رو به سستی می‌گذارد و اداره درست امور معنا نخواهد داشت. امیرمؤمنان علی (ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر در این باره می‌نویسد:

«فانه ليس من فرائض الله شيء اشد عليه اجتماعاً مع تفرق اهلهم، و تشتت آرائهم، من تعظيم الوقاء و بالعهود، و قد لزم ذلك المشركون فيما بينهم دون المسلمين لما استولوا من عواقب الغدر»^(۶۳)

عهد شکنی به طور وسیعی توسط روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و سلامت عمومی، بررسی شده و به عنوان یک موضوع مسأله‌ساز توجه می‌شود، زیرا نه تنها باعث آسیب رساندن به شخص خیانت دیده می‌شود، بلکه اغلب با پشیمانی همراه است. درمانگران عهد شکنی را با توجه به عمق شکافی که نوعاً در اعتماد و روابط ایجاد می‌کند، به عنوان سخت‌ترین مشکلات برای درمان و آسیب‌زاترین و ویران‌کننده‌ترین رویداد، پس از خشونت ذکر کرده‌اند.^(۶۴)

نتیجه آن که در طول تاریخ با توجه به آیات شریفه قرآن کریم، در میابیم کسانی که نقض عهد کرده‌اند از پیامدهای مذکور در

حوادثی که برای افراد رخ می‌دهد یکسان است، البته با این تفاوت، افرادی که دل به دنیا بسته‌اند، این نگرانی و تشویش، به خاطر توجه به مادیات و از دست دادن سعادت دنیوی بوده است. (شجاعی، ۱۳۸۵: ص ۳۵۹) چنانچه رسول اکرم (ص) در خصوص دنیاپرستی می‌فرماید: «تَفَرَّغُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ، قَسَى قَلْبُهُ وَ كَان قَفْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ»^(۵۳)

در روایت مذکور دنیاپرستی یکی از عوامل ایجاد قساوت قلب و سنگ‌دلی است. شخص دنیاپرست، بالاترین لذت را دل بستن به دنیای فانی می‌داند؛ که در واقع زمینه انحراف انسان از دین و خیانت به آن است، و خداوند متعال نیز می‌فرماید: (وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ ... فَتْنَةٌ ... (انفال/۲۸) بنابراین افرادی که دل به دنیا بسته‌اند و فریب کالای دنیوی را خورده‌اند، ممکن است به آرامش برسند، ولی این آرامش، سطحی است و به عبارتی پایدار نیست، زیرا همانطور که دنیا گذراست، این آرامش دنیوی هم دوامی ندارد، ولی افرادی که مؤمن به خدا هستند، آرامش در آنها پایدار و جاودانه است.^(۵۴)

لازم به ذکر است که دین مبین اسلام علاوه بر توجه به مسایل آخرت، به امور مادی نیز نگاهی منطقی و عادلانه دارد، برخی افراد کوتاه فکر بر این باور هستند که اهتمام اسلام تنها به جهان آخرت است و به مسایل دنیوی توجه ندارد، در صورتی که خداوند متعال ضمن آیاتی چنین می‌فرماید: (وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَجُونَ) (نحل/۵)؛ (وَ الْخَيْلُ وَ الْبغالُ وَ الْحَمِيرُ لِيُرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (نحل/۸)؛ (وَ إِن تَعَدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (نحل/۱۸) از آیات مذکور پیدا است که استفاده صحیح و درست از مواهب طبیعی و مادی یکی از نیازهای بشر برشمرده است؛ چرا که انسان برای امرار معاش به استفاده از امکانات مادی و طبیعی نیازمند است.

یادآوری این نکته ضروری است که بهره‌گیری از دنیا و مواهب آن، به معنای حریص بودن به مال، زیاده خواهی، مقام، زینت و شهرت دنیا نیست، زیرا حرص و ولع حیات فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد.^(۵۵) زیرا مادی‌گرایی و غرق شدن در لذات دنیوی، یکی از اصلی‌ترین علل ایجاد تنیدگی و استرس در انسان‌هاست که سرانجام آن، پوچی و درماندگی می‌باشد.^(۵۶)

از این رو دنیا با انواع فقدان‌ها قرین است و در صورت دلبستگی فشارهای روحی روانی ناشی از این فقدان‌ها اضطراب‌زاست. چرا که اگر کمی از متاع دنیا از دست رود، موجب اضطرابی می‌شود که از چهره نمایان است.^(۵۷) البته ناگفته نماند از آنجایی که انسان فطرتاً جویدی زندگی آرام و بدون دغدغه می‌باشد و یکی از علت‌هایی که به امور مادی و دنیوی رو می‌آورد، می‌تواند همین باشد، ولی متأسفانه در دو راهی، راه را اشتباه انتخاب کرده و سرانجام غرق در دریای اشتباهات خود می‌شوند. تا آنجایی که ویلیام جیمز نخستین علت اساسی بیماری، ضعف یا افسردگی احساس جدایی انسان از خدا و معنویات دانسته است. و نیز معتقد بود، روح انسان می‌تواند آرامش توأم با اطمینان را احساس کند و بیابد که به التیام و شفا بخش دیگری نیاز نخواهد داشت.^(۵۸) چه بسا جاذبه‌های دنیا و میل آدمی به آن که یک کشش طبیعی است، مانند سایر تمایلات فطری و استعدادهای درونی، به خودی خود دارای ارزش مثبت یا منفی نبوده، نقص یا مزیتی را برای او به وجود نمی‌آورد.^(۵۹)

می‌برد، سبب فراهم شدن اضطراب اجتماعی است که آثاری مخرب بر سلامت روان فرد می‌گذارد.

ب. ترک تضرع

گریه همچون خنده یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به انسان است و در زندگی و رشد افراد کارکردهای متفاوتی دارد. علمای اخلاق می‌گویند: «گریه موهبتی الهی است که توسط آن رطوبت مغز انسان - که موجب دردهای بسیاری خواهد شد - جدا می‌شود و افراد را از کوری ایمن می‌سازد، سلامتی و تندرستی بدن را به همراه می‌آورد و سرانجام، حالت نشاط، سبک‌بالی و طراوت روح به آدمی می‌بخشد»^(۶۹) از آنجا که قساوت قلب، موجب ترک تضرع و استغاثه به درگاه خداوند در هنگام سختی‌ها و بلاهاست، خداوند متعال می‌فرماید:

(فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (انعام/۴۳)

با رجوع به تفاسیر درمی‌یابیم که مقصود از این آیه نفی تضرع است، زیرا گفته شده وقتی که عذاب ما آمد تضرع نکردند، اما این که جمله با «لولا» شروع شده به منظور دلالت بر این است که جز دشمنی و سنگدلی بهانه‌ای برای ترک تضرع ندارند.^(۷۰)

در حدیثی از امیرمؤمنان علی (ع) آمده است: «مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتْ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ»^(۷۱) بنابر این روایت، مهمترین عامل عدم تضرع، همان قساوت قلب است. هر شخص باید آن گونه قلب خود را از گناهان پاکیزه نگه دارد که به جای غلظت قلب، همواره رقت قلب داشته باشد و بتواند در لحظات حساس زندگی با معبود خود به دعا و نیایش بپردازد.

در واقع تضرع عامل اتصال با روح عالم خلقت - خدا یا نظم کائنات - فرآیندی است که در آن واقعاً کاری (باتمیر) انجام می‌شود و قدرتی معنوی به همراه آثار روانشناختی یا جسمانی در ما جریان می‌یابد.^(۷۲)

در نتیجه یکی از احساسات اصیل و حقیقی بشر که ریشه فطری دارد، توجه به دعا و ارتباط یافتن با عالم غیب و مبدأ آفرینش و قدرت لایزال الهی از طریق تضرع است.

ج. تزئین عمل

اعمال انسان از اخلاق او سرچشمه می‌گیرد، به طوری که می‌توان گفت، اعمال و رفتارهای انسان ثمره خلق و خوی درونی اوست؛ همچنین اعمال انسان نیز به اخلاق او شکل می‌دهد؛ یعنی، تکرار یک عمل خوب یا بد، تدریجاً تبدیل به یک حالت درونی می‌شود و ادامه آن سبب پیدایش یک ملکه اخلاقی می‌گردد، خواه فضیلت باشد یا رذیلت؛ بنابراین یکی از راه‌های مؤثر برای تهذیب نفوس، تهذیب اعمال است، چنانچه تکرار یک عمل بد در درون روح و جان انسان ریشه بدواند، و روح را به رنگ خود در آورد و سبب پیدایش رذائل اخلاقی گردد!^(۷۳) شیطان که دشمن قسم خورده انسان است، سعی بر این دارد که رذایل اخلاقی انسان را در نظر وی زیبا جلوه دهد، تزئین عمل اینگونه حاصل می‌شود.^(۷۴) بنابراین سلاح شیطان تزئین عمل و گمراهی است، تزئین (شهوات، گناهان، کارهای منکر و زشت) و گمراه کننده (حق از باطل، صراط مستقیم خدا، راه و روش اولیای الهی) است و هرکس آیات خدا را درک کند می‌داند که شیطان سلطان قلب بندگان خالص خدا نیست؛^(۷۵) اما آن‌هایی که قلبشان از یاد خداوند فاصله گرفته،

امان نبوده و طعم تلخ عهد شکنی را در زندگی خود تجربه کرده - اند، بنابراین عهدشکنی نیز یکی از عوامل قساوت قلب است که آرامش روانی انسان را به خطر می‌اندازد.

آثار قرآنی قساوت قلب

توجه به این نکته ضروری است که قساوت قلب آثار و پیامدهایی به دنبال دارد، در ذیل به بررسی برخی از آثار قساوت قلب و تأثیر آن در سلامت روان از منظر قرآن کریم پرداخته می‌شود:

الف. پراکندگی مردم از اطراف شخص قسی‌القلب

انسان فطرتاً نیازمند زندگی گروهی و حیات اجتماعی است، چون اجتماعی بودن لازمه حیات اوست و اگر کسی سخت‌دل باشد، طبیعتاً موجب پراکنده شدن مردم از اطرافش می‌شوند، چنانچه خداوند متعال در این آیه خطاب به رسولش می‌فرماید:

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ...) (آل عمران / ۱۵۹)

در آیه شریفه کلمه: «فظ» به معنای جفا کار بی‌رحم و «غلیظ بودن قلب» کنایه از نداشتن رقت و رأفت می‌باشد، همچنین «انفضاض» به معنی متفرق شدن است.^(۶۵) و در قول دیگر چنین آمده: «فظ» در لغت به معنی کسی است که سخنانی تند و خشن دارد، و غلیظ - القلب به کسی می‌گویند که سنگدل است و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی‌دهد، چه بسا این دو کلمه هر دو به معنی خشونت می‌باشد؛ اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می‌رود و به این ترتیب خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر (ص) و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهکار می‌کند.^(۶۶) بنابراین قول اول تفاوت چندانی بین «فظ» و «غلیظ القلب» وجود ندارد ولی قول دوم روشن‌تر این دو را بیان کرده است، با تأیید قول دوم، نتیجه آن است که غلیظ القلب بودن در عمل اشخاص ظاهر می‌گردد و همین امر موجب پراکندگی مردم از اطراف وی می‌شود.

در ارتباط قسی‌القلب بودن، با تنها ماندن و پراکندگی مردم می‌توان گفت که طبیعی است اگر ارتباط مردم با شخصی قطع شود، امکان منزوی شدن او زیاد هست و این خود یکی از مهمترین عواملی است که سلامت روان را به خطر می‌اندازد، زیرا سلامت روان به عنوان یکی از اساسی ترین اجزاء رفاه اجتماعی، صرفاً واقعیتی زیست‌شناختی و یا روان‌شناختی نیست، بلکه دارای ابعاد و ماهیت اجتماعی بوده و متأثر از عواملی چون انزوا و حمایت اجتماعی می‌باشد.^(۶۷)

روانشناسان در مطالعه‌ای تحت عنوان «پیوندهای اجتماعی و سلامت روانی» به روش پیمایشی، به بررسی تعدادی از افراد مبتلا به اختلالات روانی پرداختند. آن‌ها بر اساس دو الگو، اثر اساسی فشارها و واکنش‌های روانی، نشانگان اضطراب، افسردگی و سلامت روان را مورد ملاحظه قرار داده و مسیرهایی را که به واسطه آن‌ها شبکه‌های روابط اجتماعی، سلامت روان افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد ارزیابی قرار داده و نشان دادند که آثار حمایتی پیوندهای اجتماعی بر سلامت روان تأثیر بسزایی دارد، هرچقدر فرد در جامعه منزوی و گوشه‌گیر شود، سلامت روان او بیشتر به خطر می‌افتد.^(۶۸)

بنابر آنچه که بیان شد، یکی از آثار قساوت، پراکندگی مردم هست، و انسان چون ذاتاً موجودی اجتماعی است از این مساله رنج

قساوت قلب، موجب حق ناپذیری می‌شود و خداوند متعال در این باره چنین می‌فرماید:

(ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ...) (بقره / ۷۴).

علامه طباطبایی در خصوص آیه می‌نویسد: تعبیر «ان من الحجاره...» می‌فهماند که برخی انسان‌ها در قساوت قلب تا سرحدی رویگردانی از حق پیش رفته‌اند. در آیه دیگری نیز خداوند متعال می‌فرماید:

(فَمَا نَقَّضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً...) (مائده / ۱۳)

قساوت قلب یعنی قلبی که در برابر حق خاشع نبوده و پذیرش ندارد.^(۸۰)

(أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ) (حدید / ۱۶)

این آیه شریفه مؤمنین را که به خاطر قساوتی که دل‌هایشان را فرا گرفته، و در مقابل ذکر خدا خاشع نمی‌شود، حتی هم که از ناحیه او نازل شده آن را نرم نمی‌کند، سرزنش کرده، سپس حال آنان را به حال اهل کتاب تشبیه می‌کند، که کتاب خدا بر آنان نازل شد، و در اثر آرزوهای طولانی دل‌هایشان دچار قساوت گردید.^(۸۱) مراد از حق در اینجا با اتفاق نظر علمای تفسیر، همان قرآن است.^(۸۲-۸۴) و بنابراین قرآن حق است و از آنجایی که حق شنوی و حق پذیری، نشانه سلامت روح است، از این رو باید دستورات و احکام قرآن را همانطور که خداوند متعال فرمان داده است و بر قلب نازنین پیامبر (ص) نازل کرده است، اجرا شود، در غیر این صورت امکان انحراف و پذیرش افکار و قوانینی که به سلامت روح آسیب می‌رساند وجود دارد؛ چرا که میان پیشرفت‌های انسانی، حق با سلامت جامعه بشری ارتباط مستقیمی وجود دارد.^(۸۵)

در مجموع می‌توان دریافت که پذیرش حق، رابطه مستقیمی با سلامت روان دارد و این رابطه فقط مختص به خود شخص نیست بلکه فرد با جامعه نیز در تعامل است و اگر افراد یک جامعه حق را به درستی بشناسند و به آن عمل کنند، نه تنها تضمین‌کننده سلامت روح خود هستند، بلکه آثار مثبتی در جامعه نیز به همراه دارد.

چنانچه خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ) (زخرف / ۳۶)

در واقع نفوذ افکار شیطانی با روی گردانی از حق به صورت اندک و تدریجی شروع می‌شود و بدون اکتفا به همان مقدار و یا عدم پیشگیری از همان ابتدای وسوسه‌هایش کار به جاهای باریک و خطرناک کشیده می‌شود. وسوسه‌های شیطان مرحله به مرحله، گام به گام و تدریجی است. او هرگز انسان پاکدامن را یکباره به آغوش فساد نمی‌کشاند؛ بلکه او را قدم به قدم به سمت آلودگی و گناه و فحشا می‌کشاند^(۸۶) تردیدی نیست که یکی از جلوه‌های زیان‌رسانی ابلیس، ایجاد اضطراب در دل‌های مؤمنان است. به نظر می‌رسد اکثر اضطراب‌ها در میان مؤمنان راه ابلیس پدید می‌آورد. ابلیس در این راه، فنون و شیوه‌های مختلفی دارد از جمله این که حزن و اندوه در دل‌ها می‌آفریند. او در این حزن آفرینی راه‌های گوناگونی را طی می‌کند.^(۸۷)

در نتیجه آلوده شدن به گناه، توسط وسوسه‌های شیطانی، موجب سلب آسایش روح و روان افراد می‌شود، ناگفته پیداست که فحشا و فساد، مهم‌ترین عامل تخریب سلامت روح در انسان است.

زمینه‌ای برای نفوذ شیطان بجهت دعوت به بدی‌ها حاصل می‌کنند، در این صورت، به قساوت قلب دچار می‌شود، چرا که قساوت قلب نیز زمینه‌ای مناسب برای تزئین اعمال زشت در نظر انسان به وسیله شیطان است، خداوند متعال نیز می‌فرماید:

(... قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (انعام / ۴۳)

پیام آیه مذکور چنین است که: قساوت قلب، سبب تزئین عمل از جانب شیطان است و در این حالت شیطان اعمال زشت انسان را برای او زیبا جلوه می‌دهد، بسیاری از جرم‌ها و جنایت‌هایی که در عالم واقع صورت می‌گیرد، به همین خاطر است، اشخاصی که افسار خود را دست شیطان می‌سپارند، عقلشان ذایل می‌گردد و در دوره نوجوانی به دام شیطان افتادن امکان بیشتری دارد، چرا که در این دوره نوجوان، دوران برزخی خود را طی می‌کند و پذیرای سخن حق و باطل است، بنابراین پیروی از شیطان عامل اصلی بزهکاری در افراد است.

بزه عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و در کتب جرم‌شناسی، بزهکار به کسی گفته می‌شود که متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی یا قانون شکنی است، و به علت اینکه به سن قانونی (معمولاً هجده سالگی) نرسیده است، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی‌شود، ممکن است بزهکاری یک نوجوان مقدمه‌ای برای یک جنایت باشد،^(۷۶) چرا که نوجوان با پیروی از خطوات شیطان، چشم و دلش به روی حقایق بسته شده است و هر گونه عمل زشت را زیبا می‌پندارد و از کوچکترین عمل به جنایات بزرگ‌تری دست می‌یابد، بنابراین شخصیت روحی و روانی فرد دچار تزلزل گشته و از سلامت روحی برخوردار نیست و تنش‌های روانی یکسره روح او را می‌آزارد.^(۷۷)

محققان در یک پژوهش کشوری، سلامت روان را در ایران ارزیابی کرده‌اند. هدف آن‌ها بررسی رابطه بین هوش هیجانی با سلامت روانی در افراد بزهکار و عادی بوده است و در طی این مطالعه دریافتند که افراد بزهکار، در پرسش‌نامه GHQ نمرات بیشتری در ابعاد بیماری‌های روانی کسب کرده‌اند.^(۷۸) در نتیجه اعمال انسان تأثیر مستقیمی بر سلامت روان وی دارد، شخص قسی‌القلب، زمینه اعمال بد را فراهم می‌کند و در واقع روح خود را با این اعمال عجین کرده و دچار بیماری‌های روحی و روانی می‌گردد.

د. حق ناپذیری

حق به طور معمول دو معنا دارد: یکی حق عینی و به تعبیری حق علمی یا فلسفی؛ و یکی حق حقوقی. یعنی کلمه حق با دو دید و در دو زمینه به کار می‌رود که با هم تفاوت دارند. حق عینی عبارت از این است که چیزی در عالم عین تحقق داشته باشد. حق یعنی موجود ثابت.

حق به معنای دیگر در حقوق و علم حقوق گفته می‌شود: حق مردم این است که بتوانند در تعیین سرنوشت خودشان دخالت کنند، این حق مردم است. دخالت کردن مردم در تعیین سرنوشت و مقدراتشان حق آنهاست، حقوق اولیه انسانی، حقوق اساسی، حقوق بشر، حق فرزند بر پدر این است، حق پدر و مادر بر فرزند این است، حقوق بینوایان و...^(۷۹)

با روشن شدن تعاریف حق، مراد از حق در پژوهش حاضر، همان حق عینی یا علمی است، آیتی از قرآن اشاره دارد به این که

درستی بشناسند و به آن عمل کنند، نه تنها تضمین کننده سلامت روح خود هستند، بلکه آثار مثبتی در جامعه نیز به همراه دارد.

منابع

- Holy Quran
1. Zamakhshari M, Moghadame'al- adab. Tehran; Moaseseh motaleat islami daneshgah Tehran;2006:149.
 2. Torahi F. Majma' Al-Bahrain, Tehran: Mortazavi Bookstore,1995:1;340.
 3. Ragheb Esfahani H. Mofradat alfaz' al-quran, Beirut: Dar al-Shamiyah,1990:671.
 4. Naraq M. Jama'at al-Sa'adat .2th. Qom: Ghaem Al-Muhammad; 2008:1;404.
 5. Ghaffari A. Heart Cruelty in the Qur'an. 1998, www.intjz.net.
 6. Elmi Sola M, Lal Sahebi T. The Hadith and the Survival of the Transcendental and Transcendental Self from the Viewpoint of Mulla Sadra and Kant, Contemporary Wisdom, Humanities and Cultural Studies Institute. 16(8)20:66.
 7. Mofid M. Al-Masa'il al-Sawriyyah, Research by:Saeb Abdul Hamid, Bijaya, Al-Mutmar al-Alimi Lalfiyya al-Sheikh al-Mufid, 1998:56
 8. Abouhiyan Tawhidi A. Al-Qabasat va Al-aMta'a va Al-Moansa, Research: Hassan al-Sandoubi, Kuwait, al-Thani, 1992:137.
 9. Epicurus J. The Epicurean Philosophy Translated by:Abolghasem Pour Hosseini, Tehran: Amir Kabir,1975:83-81.
 10. Musolino J. The Soul Fallacy: What Science Shows We Gain from Letting Go of Our Soul Beliefs. Amherst, New York: Prometheus Books. pp. 2015:29.
 11. Ardilla B. The Philosophy of Psychology and its Critique, 9th Translated by: Mohammad Javad Zarean et al., Tehran: Area and University Research, 2017:4;119.
 12. Milaniifar B. Mental Health, Tehran: Ghooms Publishing, Eighth, 2014:5.
 13. Noor Abad A. A Look at Mental Health in Iran, Tehran: Bena, 2001:80.
 14. Noor Abad A. A Look at Mental Health in Iran, Tehran: Bena, 2001:80.
 15. Nejat H. The Role of Religious Behaviors in Mental Health, Journal of Mental Health Principles, 1(3);1990:162.
 16. Ebrahimi, A. Qur'anic Pathology from the Qur'anic Perspective:Thematic Analysis, Journal of Islam and Health, 4, Winter 2015:20

نتیجه گیری

سلامت روان هر شخصی با توجه به جهان اطراف و جامعه‌اش سنجیده می‌شود و نمی‌توان گفت سلامت روان، یک امر فردی است و به معیارها و خصوصیات فردی تعمیم داد. قساوت یک نوع بیماری است که بر دل انسان عارض می‌شود، در این حالت اندرز و انذار در آن اثری نمی‌کند؛ اگر درمان نشود می‌تواند منشأ بسیاری از جنایات و کارهای خلاف اخلاق گردد.

تحقیقات و گزارشات علمی حاکی از آن است، شخصی که به خدا ایمان قلبی دارد، همواره ذکر او بر لبانش جاری هست و از آرامش روحی خاصی برخوردار بوده، زیرا ذکر وسیله تسکین قلب می‌شود و انسان با گفتن ذکر می‌تواند از پریشانی‌های روحی خود بکاهد. طولانی شدن آرزوها موجب می‌شود افکار و اندیشه انسان به باطل گرایش پیدا کند، این عمل در بسیاری از آیات نکوهش شده است، آرزوها باید در چارچوب امکانات، استعدادها، شرایط و ظرفیت باشد و گرنه سر از موهومات در می‌آورد. انسان از بدو آفرینش نیازمند صداهای زیبا و لذت بخش بوده و طبیعت، اولین آواز را در گوش انسان سر داده است، موسیقی‌هایی که در نظر اسلام حرام هستند، قساوت دل به همراه دارد و همچنین در تحقیقات چنین گزارش شده است که بر اثر گوش دادن به موسیقی عواطف انسان تحریک شده، مغز بر اعصاب فرد تأثیر منفی می‌گذارد و حتی موجب فراموشی خاطرات و احساسات گذشته می‌شود.

دل بستگی به مادیات، موجب قساوت قلب و فراموشی از یاد پروردگار است و در این حالت انسان سرگرم مسایل مادی می‌شود و امور اخروی در نزد وی کم ارزش می‌شود، محققان غربی نیز دریافته‌اند که مهمترین عامل افسردگی، جدایی از یاد خدا و معنویات است و ائمه اطهار (ع)، الگویی جامع برای دانستن طرز استفاده صحیح امور مادی هستند و برای داشتن یک زندگی سالم، باید از سیره ائمه بزرگوار استفاده کرد. در طول تاریخ با توجه به آیات شریفه قرآن کریم، در میابیم کسانی که نقض عهد کرده‌اند از پیامدهای مذکور در امان نبوده و طعم تلخ عهد شکنی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند، بنابراین عهدشکنی نیز یکی از عوامل قساوت قلب است که آرامش روانی انسان را به خطر می‌اندازد.

یکی از آثار قساوت، پراکندگی مردم هست، و انسان چون ذاتاً موجودی اجتماعی است از این مسأله رنج می‌برد، سبب فراهم شدن اضطراب اجتماعی است که آثاری مخرب بر سلامت روان فرد می‌گذارد.

طبق آموزه‌های قرآنی، عدم تضرع به خاطر قساوت قلب است، چنانچه برخی از عوامل قساوت قلب نیز بیان شد، ابتدا باید عامل شناسایی شود و سپس بدانیم که نتیجه این اثر چیست و برای رفع آن و رقت قلب تلاش کرد، چرا که تضرع بهترین حالت انسان برای توجه به معبود و رسیدن آرامش حقیقی است.

قساوت قلب، سبب تزئین عمل از جانب شیطان است، بسیاری از جرم‌ها و جنایات‌هایی که در عالم واقع صورت می‌گیرد، به همین خاطر است، چرا که اعمال انسان تأثیر مستقیمی بر سلامت روان دارد، شخص قس‌القلب، زمینه فساد و فحشا را فراهم می‌کند و در واقع روح خود را با این اعمال عجین کرده و دچار بیماری‌های روحی و روانی می‌گردد.

قرآن حق است و باید دستورات و احکام قرآن را همانطور که خداوند متعال فرمان داده است و بر قلب نازنین پیامبر (ص) نازل کرده است، اجرا شود، زیرا در صورت نپذیرفتن این کلام حق، سلامت روح به خطر می‌افتد و اگر افراد یک جامعه حق را به

36. Nikzad A. Factors and Obstacles to Spiritual Health from the Islamic Perspective, *Journal of Islam and Health*, 2(2), 2015:14.
37. Ansari M. A New and Different Look at Music Investigating the Amazing Impact of Music on the Soul, Sari:Shalphin, 2010: 259.
38. Makarem Shirazi, N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:1;82.
39. Boroujerdi M. Tafsir jame, Tehran: Sadr Library, Sixth:1980:5;282.
40. Ray Shahri M. Mizan al-Hikmah, Translated by: Hamid Reza Sheikh; Qom: Dar-al-Hadith Cultural-Scientific Institute:2007:8;239.
41. Alavi Ar. Introduction to Recognition of Halal and Haram Music, Khuzestan University Jihad Publications Center, Ahvaz;2000:39.
42. Shakir Ardakani S E. Forty Notes on Music, Qom: Hojat's Message (AS),2004:23.
43. Hosseini SM. Music Orders, Qom: Office of Education Publishing, Fifth Edition, 2008:249.
44. Iranian A. Music in Islam, *Journal of Art and Architecture*, 28,1995:390.
45. Nekounam MR. Jurisprudence by Ghana and Music, Islam City: Morning Tomorrow Publications,2011:259.
46. Rajab Nejad MR. A View on the Jurisprudence of Music, Tehran: Abed, 2000:46.
47. Sharafkhani Khoi, Ahmad, M G. Music, Qom: Mashood Publications, 2001.
48. Myrzakhani H. Jurisprudential Principles, Psychological Music: From Imam al-Majid Ahmed Sheikh A'zam Ansari (RA) and Isthmad Muqaddadi Jafi'i.1986:27.
49. Siwati A, al- dor al-Mansour al-Tafsir bal-masur, Qom: Public Library of the Grand Ayatollah al-Najafi (RA), 2008 :5;160.
50. Iranian A. Music in Islam, *Journal of Art and Architecture*, 28,1995:390.
51. Shakir Ardakani S E. Forty Notes on Music, Qom: Hojat's Message (AS),2004:112.
52. Azaravi Aziz M. The Effect of Music on Happiness and Mental Health,^{9th}, *Journal of Art and Architecture*, Fifth Year, 2015:51.
53. Dilmi H. Ershad al-Qoloub, Translated by: Ali Selga Nahavandi, Qom, Nasser, 1997:1
54. Javadi Amoli A. Botany and Botany in Nahj al-Balagheh, Qom:Esra Publishing Center, 2009: 99-101.
55. Javadi Amoli, A. Thematic Interpretation of the Qur'an,^{2th}, Society in the Qur'an, Qom: Esra'a Publishing Center; 2009:219.
17. Alusi, S M. Roh'al-ma'ani fi tafsir'al-quran'al-azim, Beirut: Dar al-Kutb al-Umayyah, 1415: 10;119. Khorramshahi B, The Prophet's Message, Translated by: Masoud Ansari, Tehran:Monfared, 1997:623.
18. Khorramshahi B. The Prophet's Message, Translated by: Masoud Ansari, Tehran: Monfared, 1997:623.
19. Ray Shahri M, Mizan al-Hikma. Translated by: Hamid Reza Sheikh; Qom:Dar-al-Hadith Cultural and Scientific Institute, Publishing Organization; 2016:8;239.
20. Makarem Shirazi, N.tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1999:1;79.
21. Ismaili Yazdi A. Culture of Ethics, Qom: Our Reason Publications, 2011:102.
22. Armstrong K. The History of Theism, 4000 Years of Jewish Search, Christianity, and Islam, Translated by Baha'uddin Khorramshahi, Behzad Saleki, Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute,2006:32.
23. Makarem Shirazi, N. tafsir nemooneh, Tehran:Dar al-Islam, tenth:2000:1;638.
24. Yazdi M. Corner of Islamic Psychology, Qom: Nasser,1975:150.
25. Amadi A. Gharar al-Hakim and Dar al-Kulam, Translated by: Mastafi Daryati, Qom: Al-Islam School;1989:468.
26. Nejati M. The Quran and Psychology, Translated by: Abbas Arab, Mashhad:Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, 1998: 335-336.
27. Ragheb Esfahani H. Mofradat alfaz' al-quran, Beirut: Dar al-Shamiyah,1990:671.
28. Ibn Manzoor M. Lisan al-Arab, Beirut:Darzadar, Darbirut, 2009 : 15;292.
29. Matouf L. Al-Mengind fi al-Laghah, and Al-Aalam, translated by Mohammad Bandarigi. Tehran: Iranian Publications; 2005
30. Torahi F. Majma' Al-Bahrain, Tehran: Mortazavi Bookstore, 1995: 1;340.
31. Makarem Shirazi, N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:23; 431.
32. Makarem Shirazi, N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:2; 199.
33. Makarem Shirazi, N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:2; 200.
34. Makarem Shirazi, N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:2; 200.
35. Dashti M. Nahj'al balagheh. 4th Edition. Qom: payam moghadas;2011;28.

71. Majlesi, Mohammad Bagher. Bahar al-Anwar. Beirut, Al-Ufa Institute: 1998:55; 710.
72. Azerbaijani M. Religious Works From the Viewpoint of William James, Journal of Islamic Studies and Psychology, 2007:125.
73. Makarem Shirazi N. Sample Commentary, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991: 1; 194.
74. Tabarsi, Fazl ibn Hassan. Jamiat al-Bayyan, Tehran: Farahani Publications. 1986: 13;188.
75. Hawi, Sa'id. Al-asas f I Tafsir, Al-Qaheri: Dar al-Salam, VI:2004:6;2882.
76. Khaleghi A, Maryam Khani. The Impact of Judicial Control on Social Market and Criminality Norms, International Conference on Psychology and Humanities, Shiraz University, 2016:5.
77. Behrouzi N. Comparison of Social Support, Metacognitive Beliefs, Mental Health, and Vitality in Normal and Delinquent Adolescents, Strategic Research in Social Security and Order, 7, Spring 1977:82.
78. Mohammadi Atakrasa A. The Relationship between Emotional Intelligence and Mental Health in Delinquent and Normal Adolescents, Quarterly Journal of Adolescent Sociological Studies, 2016:13;18.
79. Beheshti, M. Haqq and False from the Quran's Viewpoint, Tehran: Publication of Shahid Beheshti's Works and Thoughts, 2011:19-17.
80. Tabatabai M. Al- mizan, 50th Research by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publishing Offices of Qom Seminary Teachers. 1995:5;240.
81. Tabatabai M. Al- mizan, 50th Research by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publishing Offices of Qom Seminary Teachers. 1994:19;284
82. Tabarsi, Fazl ibn Hassan. Jamiat al-Bayyan., Tehran: Farahani Publications. 1990: 24;227.
83. Zahmakhri, Mahmoud bin Omar, al-kashaf, Beirut. The Book of Lebanon, Third, 2007:4;477.
84. Shah Abdolazim H. Deuteronomy of Tafsiri, Tehran: Migate, 1994:13;28.
85. Hojjatzadeh A. The Impact of Right on Physical and Mental Health on Women's Rights, Payame Noor University of Tehran - Faculty of Humanities, 2011:2.
86. Makarem Shirazi N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991:14; 412.
56. Shafiabadi A, Gholamreza Naseri. Theories of Counseling and Psychotherapy, Tehran: Academic Publishing Center, 1979:168.
57. Abbasnejad M. Quran, Psychology and Educational Sciences, Mashhad Mashhad: Foundation for Quranic Studies of School and University, 2005:234.
58. Azerbaijani M. The Psychology of Religion from the Viewpoint of William James, Qom: Institute of Domain and University Research, 2008:269.
59. Ismaili Yazdi A. Culture of Ethics, Qom: Our Reason Publications, 2011:358..
60. Azerbaijani M. The Psychology of Religion from the Viewpoint of William James, Qom: Institute of Domain and University Research, 2008;269.
61. Ansarian H. Tafsir Hakim, Qom: Dar al-Erfan, 1;414-415..
62. Hashemi Rafsanjani A. Quran Culture, 33th; Qom Bookstore (Qom Theological Propagation Office of Publications) - Iran - Qom, Printing:2, 2004:461.
63. Dashti M. Nahj'al balagheh. 4th Edition. Qom: payam moghadas;2010;
64. Toulaie M. Coping Styles of Women Affected by Spouse Affiliation: A Qualitative Study, Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology, 19th, 4, 1977.
65. Tabatabai M. Al- mizan, 50th, Research by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publishing Offices of Qom Seminary Teachers. 1994:4;76.
66. Makarem Shirazi N. Tafsir nemooneh, Tehran: Dar al-Islam, tenth:1991;3;141.
67. Kalantari A. Isolation and Health: Investigating the Relationship between Social Isolation and Mental Health of 18-year-old Tehranian Citizens by Turning to the Mediating Role of Social Support, Journal of Contemporary Sociology Research, 4th, 6th, Summer 2015:89.
68. Kalantari A. Isolation and Health: Investigating the Relationship between Social Isolation and Mental Health of 18-year-old Tehranian Citizens by Turning to the Mediating Role of Social Support, Journal of Contemporary Sociology Research, 4th, 6th, Summer 2015:89.
69. Ashrafi M. 2014;17;10.
70. Tabarsi Fazl ibn Hassan. Jamiat al-Bayyan, Tehran: Farahani Publications. 1979: 2; 182.